



○ بخشعلی قنبری

معرفی و بررسی ترجمه و تفسیر نهج البلاغه

جولانگاه اندیشه

ژورنال علم‌انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

○ ترجمه و تفسیر نهج البلاغه
○ علامه محمدنقی جعفری
○ دفتر نشر فرهنگ اسلامی
○ ۲۷۰ جلد، ۱۳۷۸

علی (ع):

«وانی لعلی بینة من ربی و منهاج من نبیی و انی لعلی الطریق الواضح؛ من از جانب پروردگارم حجت و گواهی دارم و در راه روشن پیامبرم گام برمی‌دارم. راه من راهی روشن است.»^۱

سخن گفتن از ره‌یافتگان لذت‌بخش است، چه گفتگوی با آنان آدمی را از خاک به افلاک و از تری به تریا می‌برد و برای مدتی لیاقت هم‌کلامی و همنشینی با آنان را به انسان ارزانی می‌دارد، خاصه کسانی که به یقین رسیده‌اند و راه را روشن کرده و در روشنایی گام برمی‌دارند، وه چه شیرین است شب‌زدگان توفیق گام برداشتن در جاده‌های روشن را بیابند!

وه چه دلنشین است

یا علی نشستن

نرم نرمک اشکی افشاندن از شوق

زدن پیمانه‌ی مستی

در خلوت و صلت

به دور از گران‌جانان

و بدخواهان؛

گرفتاران حبس و هر زندان

و گفتن از علی و جعفری و سبکساران و جان‌بازان^۲

و علی مرد مردان است و مردانگی در میدان پهلوانی او رشادت آموخت و هر که غیرعلی است جز معصومان، جمله اطفالند محبوس زندان هوا! کودکان‌اند که درس عزت و بلوغ را باید در مدرسه نهج بلاغت و منهج فصاحت بیاموزند.

خلق اطفالند جز مرد خدا

نیست بالغ جز رهیده از هوا

گفت دنیا لهو و لعب است و شما

کودکید و راست فرماید خدا

و خوشا به حال آنان نیز باد که اگر از همصحبتی با علی بزرگ محرومند اما از دوستداران و علی‌شناسانی چون علامه جعفری برخوردارند! به هر حال اگر مجاز به وارد شدن در بارگاه آن بزرگ نیستیم با یاد کردن از خادمان درگاهش، امید آن داریم که ما را نیز به پاس یادکردن از موفقان در شناختن مؤید بدارد تا گام در راهی نهیم که سر از شناخت علی؛ آن دروازه شهر علم نبوی، درآوریم. وه که چه صحیفه‌ی معرفتی در این شهر گشوده



شده است. خداشناسی با عبارت زیبایی «موجود لاین عدم» ارتباط با او و پنهان شدن به او در قالب «فروا من الله الی الله» که اوج حیرت‌زایی عارفانه را با خود به همراه دارد؛ جامعه‌نگری در مدینه‌ی مدنی علوی که در آن آزادی، احزاب، انتقاد، خردورزی، نفی هوا، زهد، جامه‌ی حزن ممدوح پوشیدن و... به حراج و بل به هدیت نهاده شده است.

نهایت این که سخن گفتن از شیفته علی علیه‌السلام حضرت علامه جعفری نیز سخت مغتنم است و دلنشین! اما افسوس و فسوس که کاوید و بارید و بخشید و باریست و برقت! اینک در طراوت بهارین‌اش بر سفره شرح‌نامه نهج‌البلاغه نشستیم. باشد که بهره بریم و بهره دهیم که بهره دادن و ستاندن در اینجا از شیر مادر حلالتر است و گواری برخورداران با! تاکنون شرح‌های زیادی بر نهج‌البلاغه‌ی بزرگ نوشته شده اما اولین شرح جامع (به لحاظ کیفی) در عصر حاضر منحصر است به «ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه» به خامه‌ی پربرکت علامه فقید محمدتقی جعفری که در این مقال و مجال به معرفی و بررسی آن نشستیم. باشد که گامی در شناساندن این شرح درخور برداشته باشیم.

گذری بر زندگی علامه جعفری (ره)

در روز اول مردادماه ۱۳۰۴ نوزادی در محله شتریان تبریز به دنیا آمد که تارش را با «یحییم» و پودش را با «یحیونه» سرشته بودند، «محمدتقی جعفری تبریزی یگانه» بود. خانواده‌ او، بسیار متدین، مخلص و اصیل، اما به لحاظ اقتصادی، در سطح پایینی بودند. در تبار استاد، عالم شناخته شده‌ای وجود ندارد، و به قول اقبال: «خود، نژاد خویش است»

تحصیلات ابتدایی

«معلم‌ها خیلی به من محبت داشتند، چون نمراتم بالا بود»^۲ استاد، دوره دبستان را در تبریز، در مدرسه اعتماد که بعدها به دبیرستان انوری تبدیل شد، گذراند. به دلیل آن که تا حدی نزد مادر درس خوانده بود، او را از کلاس اول به کلاس چهارم منتقل می‌کنند و در این کلاس رتبه دوم را به دست می‌آورد. سال بعد، در کلاس پنجم نیز به رتبه اول نائل می‌شود. دوران تحصیل در مدرسه اعتماد، برای استاد، سرشار از خاطرات تلخ و شیرین بود. او خود در این باره می‌گوید: «در آغاز تحصیل، علم برای ما جلوه‌ای حیاتی داشت.»^۳ به همین دلیل، با علاقه، جدیت و پشتکار و نظم، علیرغم اینکه فاصله مدرسه تا منزل بسیار زیاد بود، هر روز در مدرسه حضور می‌یافت. این نظم و پشتکار و علاقه به آموختن، از برجسته‌ترین خصوصیات استاد به‌شمار می‌رفت که حتی تا آخرین لحظات عمر مبارکش نیز در وجود ایشان مشهود بود.^۴

مدرسه طالبیه

«در دوران تحصیل با مشکلات مالی روبرو بودیم و زندگی سختی داشتیم.»^۵

استاد پس از پایان دروس ابتدایی، تحصیلات حوزوی را آغاز کرد. در این دوران که مصادف با اوایل جنگ جهانی دوم بود، وی با مشکلات مالی مواجه شد و زندگی سختی داشت به طوری که غذای او در این دوران غالباً نان و ماست بود. استاد، صرف میر را نزد آقای میرزا حسن شربینی به پایان برد و در ادبیات نیز از محضر میرزا علی‌اکبر اهری بهره گرفت که در ادبیات تبحر فراوان داشت ولی در فقر و فلاکت عجیبی زندگی می‌کرد.

«او در معانی و بیان، تقریباً منحصر بفرد بود.»^۶

مرحوم اهری، شاگردان خوبی را در زمینه ادبیات عرب پرورش داد. از دیگر اساتید استاد، میرزا ابوالفضل سرابی در ادبیات، آقامیرزا جعفر بخشایشی و آقامیرزا حجت ایروانی را باید نام برد که دو نفر اخیر، دروس مقدماتی را تدریس می‌کردند. پس از اتمام این دروس، مدرسه طالبیه دیگر کفاف عطش استاد را نمی‌داد و به همین دلیل، ایشان در حدود سال ۱۳۱۹ برای

ادامه تحصیل به تهران آمد.^۷

سفر به تهران

«من همان موقع احساس کردم که ذهن من مقداری به هستی‌شناسی علاقه شدیدتری نشان می‌دهد، و به فقه و اصول و فلسفه هم علاقه شدیدی داشتم.»^۸

مدرسه فیلسوف، واقع در جوار امامزاده اسماعیل، در ابتدای یکی از ورودی‌های بازار قدیمی تهران، اولین مکانی بود که استاد برای ادامه تحصیل به آنجا رفت. مرحوم حاج‌شیخ محمدرضا تنکابنی، پدر مرحوم حجت‌الاسلام محمدتقی فلسفی، از فقهای والامقام آن زمان بود. استاد نزد ایشان به فراگیری کفایه و مکاسب مشغول شد و همچنین برای تحصیل فلسفه، نزد میرزاهمدی آشتیانی می‌رفت که فیلسوف معروفی بود و در مدرسه مروی تدریس می‌کرد. استاد حکمت منظومه حاج‌ملاهادی سبزواری و بخشی از امور عامه اسفار را به مدت حدود دو سال در محضر ایشان فراگرفت. «ایشان روح والایی داشت، در معقول و منقول بسیار والا بود، ولی دانش خود را اظهار نمی‌کرد.»^۹

مقام علمی مرحوم آشتیانی به قدری رفیع بود که استاد حتی در قم، نظیر او را ندید:

«البته اساتید خوبی در قم بودند، ولی هنوز کسی که بتواند مانند میرزا آقامهدی ما را به خود جلب کند، نبود»^{۱۰}

عزیمت به قم

«در قم هم درس‌مان خوب بود. عشق و علاقه هم واقعاً شدید بود.» در قم، شهید آیت‌الله صدوقی و مرحوم حجت‌کوه‌کمره‌ای، در مدرسه دارالشفاء، استاد را ملبس به لباس روحانیت کردند. استاد در قم به فراگیری معقول نزد آقا شیخ مهدی مازندرانی و عرفان نزد آقا شیخ محمدتقی زرگر مشغول شد، اما فیضیه و امام خمینی (ره)، چیز دیگری بود. استاد درس اخلاق را در مدرسه فیضیه و نزد امام خمینی فراگرفت.

مراجعت به تبریز

حدود یک سال از اقامت استاد در قم گذشته بود که خبر فوت مادرش به وی رسید. استاد به سوی تبریز حرکت کرد. نمی‌دانیم که لحظات سخت این سفر، بر استاد چگونه گذشت اما می‌توان حدس زد که در طول سفر، یاد و خاطره آن بانوی بزرگوار، لحظه‌ای از یاد استاد زنده نشده است.^{۱۱}

مرحوم شهیدی حق بزرگی بر گردن علم و حکمت و فلسفه دارد زیرا او بود که پس از چند ماه اقامت استاد در تبریز، ایشان را تشویق کرد تا به نجف برود. «عمده محرک [رفتن من به] نجف، همین مرحوم شهیدی بود.»^{۱۲} مرحوم شهیدی برای هزینه و آذوقه سفر استاد، مقداری پول و دو جمعه شیرینی تهیه کرد و به استاد داد و ایشان در سال ۱۳۲۳ هـ. ق عازم نجف شد.

استاد پس از ورود به نجف به مدرسه صدر می‌رود اما به دلیل پرشدن ظرفیت مدرسه، بزرگ مدرسه، سیدمحمد اصفهانی ایشان را به مدرسه بادکوبه‌ای‌ها منتقل می‌کند. پس از هشت ماه، استاد به مدرسه صدر برمی‌گردد که بیست و پنج حجره و تعدادی شبخواب داشت.

استاد در مدت تحصیل در نجف از محضر اساتید گوناگون، بهره‌های فراوانی برد:

۱. آیت‌الله شیخ‌محمدکاظم شیرازی، باب طهارت و مکاسب محرمه.
۲. آیت‌الله حاج‌سید ابوالقاسم خوبی، اصول فقه و ابوابی از فقه مانند مکاسب محرمه.
۳. آیت‌الله سیدمحمد شاهرودی، کتاب صید و ذباجه
۴. آیت‌الله سیدجمال گلپایگانی، قاعده فراغ و تجاوز.

- ۲) شرح و نقد مثنوی مولوی در ۱۵ جلد
- ۳) وجدان
- ۴) شناخت از دیدگاه علمی
- ۵) ارتباط انسان و جهان در ۳ جلد
- ۶) مولوی و جهان‌بینی‌ها
- ۷) حیات معقول
- ۸) فلسفه دین
- ۹) عقل و عاقل و معقول^{۱۹}

روش نگارش ترجمه و تفسیر نهج البلاغه

علامه جعفری (ره) هم نهج‌البلاغه را شرح کرده و هم به ترجمه آن اهتمام ورزیده است. پیرامون شرح و تفسیر نهج‌البلاغه نکاتی طرح خواهد شد اما درباره ترجمه متون به ویژه متن‌های دینی مقدس باید گفت ترجمه نمی‌تواند گویا و منتقل‌کننده قابل اعتمادی باشد بلکه همواره متأثر از نظر مترجم و تفسیر او خواهد بود. علامه جعفری (ره) نیز چنین نظری را ابراز کرده است: «جای تردید نیست که هیچ ترجمه‌ای هر اندازه هم دقیق بوده باشد، نمی‌تواند معنایی را از زبانی به زبان دیگر چنان منتقل نماید که هیچ‌گونه تغییر و تصرفی در آن معنا صورت نگیرد، زیرا خصوصیت کلمات و اشکال جمله‌بندی و مفاهیمی که از حروف گوناگون در یک زبان متداول است، مستند به ریشه‌های روانی و اجتماعی و محیطی و تاریخی و مردمی است که با آن زبان سخن می‌گویند. همچنین از نظر فصاحت و زیبایی، گاهی یک یا چند جمله با کلمات و حروفی خاص در زبانی... با فصاحت و زیبایی ادا می‌کند، در صورتی که اگر همان چند جمله با خصوصیات مزبور به زبان فارسی ترجمه شود، اگرچه اصل معنا به لغات فارسی منتقل می‌گردد، ولی فصاحت و زیبایی‌ای را که در عربی داشت، از دست می‌دهد.»^{۲۰}

روش تفسیر و مزایا

روش علامه جعفری در تفسیر نهج‌البلاغه چنین است که ابتدا متن خطبه را از نسخه دکتر «صبحی الصالح»^{۲۱} آورده و ترجمه کرده و سپس به شرح و تفسیر عمومی و اختصاصی عبارات این اثر شگرف پرداخته است. ایشان در شرح خود با آوردن پارهای از متن نهج‌البلاغه، به تفسیر و تحلیل آن از زوایای مختلف به ویژه فلسفی و کلامی با تأکید بر نگرش انسان‌شناسانه، پرداخته و با توجه به اطلاعات وسیعی که در حوزه‌های فلسفی (به ویژه مکاتب غربی)، ادبیات (فارسی و عربی) و آیات و روایات داشته، عبارات و نکات شایسته و درخوری را ذکر کرده است به گونه‌ای که نه تنها برای خواننده مفید است بلکه راهکارهای مناسب برای تحقیق و پژوهش بیشتر را هم به او ارائه می‌دهد. از این رو می‌توان این شرح را مرجع و منبع مناسبی برای کسانی دانست که درصدد تحقیق در نهج‌البلاغه برمی‌آیند.

نکته حائز اهمیتی که در این میان باید به آن اشاره کرد تسلط مثال‌زدنی علامه بر مثنوی معنوی است که موجب شده تا شرح نهج‌البلاغه ایشان از سایر شرح‌ها متمایز شود. با توجه به اینکه در مثنوی مولوی نیز تقریباً تمامی موضوعات مورد اشاره در نهج‌البلاغه، به کار رفته است لذا مثنوی می‌تواند منبع بسیار ارزنده‌ای در شرح نهج‌البلاغه به‌شمار آید. این ارتباط به حدی وثیق و وسیع است که می‌توان ادعا کرد مولانا در سرودن مثنوی از نهج‌البلاغه بهره‌های فراوان برده است.^{۲۲}

بدین لحاظ است که نگارنده امتیاز اساسی شرح و تفسیر نهج‌البلاغه علامه جعفری را در این می‌داند که در آن از وسیع‌ترین منبع معرفتی - ادبیات

۵. آیت‌الله میلانی، فقه و اصول.
۶. آقا صدراققازی، فلسفه (کتاب اسفار) و کلام (کتاب شوارق الالهام)
۷. شیخ مرتضی طالقانی، حکمت و عرفان
۸. آیت‌الله سیدمحسن حکیم
۹. آیت‌الله سیدعبدالهادی شیرازی.

پس از اتمام تحصیلات، استاد برای مدتی در مسجد هندی، به تدریس درس خارج مکاسب پرداخت. سپس به پیشنهاد آقا سیدعبدالهادی شیرازی، تدریس فلسفه و معارف را در مدرسه صدر شروع کرد. مدتی نگذشت که آوازه استاد پیچید و به تدریح طلاب مدرسه‌های دیگر هم برای شرکت در درس ایشان، به مدرسه صدر می‌آمدند. از جمله شاگردان ایشان، شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر بود.

مراجعت موقت به ایران و دیدار با امام

پس از شش سال اقامت در نجف، استاد به منظور دیدار با بستگان و اقوام، و نیز زیارت حضرت امام رضا (ع)، عازم ایران شد. استاد پس از زیارت امام رضا (ع) و دیدار با بستگان، به تهران آمد و در مدرسه مروی خبر ورود امام خمینی به تهران و اقامت در منزل پدر همسرشان مرحوم آیت‌الله تقفی را از طلاب شنید و به دنبال آن همراه با چند نفر دیگر از طلاب به محضر امام شرفیاب شد. استاد پس از مدتی اقامت در ایران، مجدداً برای ادامه تحصیل، عازم نجف می‌شود. ایشان ضمن مصاحبه‌ای درباره عظمت روحی و اخلاقی مرحوم شیخ مرتضی طالقانی گفت: «یک نکته مهم درباره استاد محبوب ما، مرحوم آقا شیخ مرتضی طالقانی، یادم افتاد و آن این است که یکی از دلایل عظمتش هم این بود که [در عین حال که] درس خارج می‌گفت، اسفار می‌گفت، منظومه و کفایه می‌گفت، به بجه‌های طلبه هم درس می‌گفت.»^{۲۵}

بازگشت به ایران و مراجعت مجدد به نجف

«من حدود ۱۱ سال نجف بودم، تا آمدم به ایران.»^{۲۶}

استاد پس از اتمام تحصیلات، در سال ۱۳۳۶ به ایران بازگشت اما بعد از یک سال، مجدداً به نجف بازگشت و پس از آن به تهران منتقل می‌شود و مدتی را در میدان خراسان، کوچه آبمنگل به سر می‌برد. خود ایشان با اشاره به اقامت خود در این محل می‌گوید:

«۷-۸ ماهی آبمنگل بودیم. بعد رفتیم به پاچنار، ۷-۸ سال هم آن جا بودیم، بعد هم آمدیم به همین خیابان خراسان.»^{۲۷}

مثنوی، معنای مولوی

استاد هنگام تحصیل در نجف، با کتاب مثنوی آشنا شده و به مطالعه آن می‌پردازد ایشان پس از اقامت در تهران، از سال ۱۳۳۴ تدریس مثنوی را آغاز می‌کند و به تدریح به یادداشت‌برداری پیرامون مثنوی می‌پردازد که همین یادداشت‌ها مبنای تفسیر مثنوی قرار می‌گیرند.

شرح مثنوی در سال ۱۳۴۸ آغاز شده و در اسفند سال ۱۳۵۳ به اتمام می‌رسد. حاصل تلاشهای استاد در این ۵ سال، مجموعه ۱۴ جلدی تفسیر و نقد مثنوی معنوی است.^{۲۸}

در ساعت ۲/۵ بعدازظهر روز ۲۵ آبانماه سال ۱۳۷۷، علامه محمدتقی جعفری، فیلسوف شرق، به ابدیت می‌پیوندد و به ملاقات خدا می‌شتابد، به هنگام فوت، اموال فیلسوف شرق شامل یک باب منزل مسکونی و مقدار ناچیزی وجه نقد بود.

آثار

از مرحوم علامه جعفری آثار مکتوب بسیار شامل مقالات و کتب به جا مانده است که به مهمترین آنها اشاره می‌کنیم:

۱) ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه در ۲۷ جلد



فارسی (مثنوی شریف) بهره گرفته شده است. نکته حائز اهمیت دیگر در این شرح، بحثهای تطبیقی قرآنی- نهج البلاغه‌ای است که علامه با تجربه‌ای که در قرآن‌شناسی داشته به این توفیق نائل آمده است.

از نکات دیگری که درباره شرح حاضر لازم به ذکر است این که علامه جعفری به مناسبت‌های مختلف ضمن بیان نظرات دیگر شارحان، به نقد محتوایی آنها نیز پرداخته است. به عنوان مثال ایشان ذیل عبارت «ترتضعون اما قد فطمت و یحییون برعة قد أمیتت» از خطبه‌ی ۲۲ آورده است: برخی از شارحان نهج البلاغه در تفسیر دو جمله فوق چنین گمان کرده‌اند که منظور امیرمومنان (ع) این است که پیمان شکنان قضایایی را در داستان قتل عثمان پیش می‌کشند و آن‌ها را دستاویزی برای اثبات مدعای پوچ خود قرار می‌دهند که کهنه شده و از بین رفته‌اند. این تفسیر صحیح به نظر نمی‌رسد زیرا اگر جرمی که به امیرمومنان نسبت می‌دادند صحیح بود و دلایل و قضایایی را که پیش می‌آوردند، از نظر منطق اسلامی واقعیت داشت، گذشت زمان اثری در مجرم بودن آن حضرت نداشت و همچنین اصطلاح بدعت درباره‌ی تذکر و بازگویی حوادث و رویدادها تحقق یافته در داستان عثمان صحیح به نظر نمی‌رسد. به همین لحاظ با اطمینان می‌توان گفت که منظور امیرمومنان (ع) از «م» (مادر)، سنت‌ها و اخلاق حماقت‌آمیز دوران جاهلیت در صلح و جنگ و ادعا و افکار و تعصبات غیرمنطقی و احکام جاهلی است که برپاکندگانی غافل‌ه‌ی جمل و صفین به راه انداخته بودند.^{۲۳}

همچنین از مزایای شرح علامه جعفری (ره) این است که با توجه به مطالعات وسیع ایشان در حوزه‌های مختلف به ویژه انسان‌شناسی، حقوق، فلسفه، مکاتب غربی و نظریات دانشمندان مغرب زمین این شرح از حالت یک تفسیر معمولی خارج شده و به صورت دایرةالمعارف علمی درآمده است و برای طالبان علم و دانش منبع درخوری قلمداد می‌شود به گونه‌ای که با مطالعه آن به اطلاعات و آگاهی‌های وسیعی در موضوعات مختلف دست می‌یابند.

به عنوان مثال اگر کسی بخواهد تنها اسامی دانشمندان و مکتب‌های فلسفی مطرح شده در این اثر را گرد آورد، مجموعه اطلاعات وسیعی حاصل می‌شود که شاید در یک کتاب منسجم و تخصصی نتوان به چنین اطلاعاتی دست یافت.

نکته دیگری که می‌توان از آن به عنوان یک مزیت مهم این شرح نام برد «به روز بودن» اطلاعات موجود در آن است. چه، با توجه به شهرت جهانی علامه جعفری، امکانات وسیعی برای وی فراهم شده بود. مکاتبات علامه با دانشمندان معاصر خود و همچنین آشنایی و تسلط بر ادبیات معاصر جهان (به ویژه دنیای غرب) و اصطلاحات و نظریات رایج موجب شدند تا شرح ایشان بر نهج البلاغه در میان دیگر شرح‌ها از امتیاز خاصی برخوردار شود. چرا که در میان شرح‌های متعددی که بر نهج البلاغه نوشته هیچ شرحی به اندازه این تفسیر از اطلاعات و علم روز بهره‌مند نیست و در هیچ‌کدام نمی‌توان این حجم از اطلاعات را یافت. به تعبیر دیگر شرح علامه جعفری بر نهج البلاغه با بهره‌گیری از ادبیات و گفت‌وگوهای جهان امروز صورت گرفته است.

علامه جعفری توفیق یافت شرح نهج البلاغه را تا آخر خطبه‌ی ۱۸۵ ادامه دهد و به چاپ رساند اما متأسفانه اجل مجال اتمام این کار بزرگ را نداد و در حالی که سوی معبود شتافت که تنها اندکی بیش از یک سوم این کتاب شریف شرح و تفسیر شده بود.

نگره‌ی علامه جعفری به نهج البلاغه

علامه جعفری معتقد بود اگر کسی بخواهد از نهج البلاغه بهره‌برداری کند باید از محدودنگری‌های عقل نظری بپرهیزد تا بتواند طعم حقیقت، عدالت، تکلیف و حیات را بچشد و بفهمد که امیرمومنان (ع) چه می‌گوید.

به اعتقاد ایشان در این کتاب وحدت شخصیت گوینده به طور صریح در جملاتش دیده می‌شود چرا که به گفتار خود ایمان دارد و وجودش تبلور یافته اصولی است که در این کتاب به آنها اشاره دارد. تصنع و عبارت‌پردازی عمومی در این کتاب مشاهده نمی‌شود و گوینده درصدد این نیست که جمله زیبا بگوید و وحدت سیاق را با پرده‌های زیبایی ببوشاند، یک شخصیت واحد در مسیر کمال موضوعات آن را مطرح می‌کند. در نهج البلاغه فصاحت و بلاغت وجود دارد ولی آن حضرت مطلب را قربانی لفظ نکرده است.^{۲۴}

نگاه علامه جعفری به نهج البلاغه از زاویه انسان‌شناسی است. اگر نهج البلاغه به لحاظ تعدد موضوعات یکی از متنوع‌ترین متون دینی است اما علامه جعفری (ره) از آن جهت این اثر را مورد بررسی قرار داده که آینده‌ی تمام‌نمای وجود انسان به گونه‌ای که زیباترین جلوه‌های الهی را منعکس می‌کند، است. از این رو حضرت علامه انسان را بر دو صورت یافته و به کاوش در آن پرداخته است: انسان معمولی و طبیعی و عرفی و انسان کامل از آن جهت که رسالتش جانشین خدا بودن بر روی زمین است. اما آنچه در نگره‌ی علامه مشهود است تمرکز و تاکید بر نگرش تعالی‌بخش به انسان است که اساساً روش خود حضرت امیر بوده است زیرا تصفیه و تزکیه درونی علی (ع) و احاطه دقیق آن حضرت به منبع عظیم الهی؛ قرآن کریم، سبب شده است تا آن حضرت به انسان از افقی بالا بنگرد و تبیین کاملی از انسان کامل به دست دهد.^{۲۵}

علامه جعفری به صراحت از روش انسان‌شناسانه خود در تفسیر نهج البلاغه سخن گفته و در تمام شرح خود از آن بهره جسته است. علامه جعفری (ره) با نقل این عبارت از نهج البلاغه به تشریح نظر و نحوه نگرش خود پرداخته است: «انا اربدکم لله و انتم تربیوننی لانفسکم؛ من شما را برای خدا می‌خواهم و شما مرا برای خودتان می‌خواهید.» این جمله نشان می‌دهد که او از چه افقی به انسان نگاه می‌کند. البته با آن همه جهالتی که در حق او روا داشتند و با آن همه صدماتی که بر او وارد ساختند... با این حال می‌خواهد صلاح انسان‌ها را بگوید.^{۲۶}

علاوه بر آنچه آمد، علامه جعفری به لحاظ خردشناسی و کاستی‌شناسی انسانی هم نگره‌ی اصلی خود را در این شرح بر نگرش و تفسیر انسان‌شناسانه از نهج البلاغه اختصاص داده است. چه، از نظر او وجود علی (ع) به حدی وسیع متعالی است که انسان‌های غیرمعصوم توانایی درک و شناخت او را ندارند. «بدین جهت است که لازم و ضروری دیدیم که نخست انسانیت و رسالت آن را مطرح نماییم و به مقدار امکان در نشان دادن انسان و اصالت و ارزش‌های واقعی او بکوشیم. پس علی و نهج البلاغه‌ی او را مورد توضیح و تفسیر قرار دهیم.»^{۲۷}

علامه جعفری از طریق پرداختن به انسانیت و رسالت انسانی، میان شخصیت علی (ع) و انسانیت ارتباط برقرار می‌کند و با استناد به انسانیت، فرمایشات مولا را از این زاویه مورد تفسیر و بررسی قرار می‌دهد. علامه در این باره می‌نویسد: «هیچ‌گونه جای تردید نیست که ما نمی‌توانیم شخصیت علی‌بن ابی‌طالب (ع) را مانند شخصیت‌های یک بعدی تاریخ نشان دهیم و کتابش... را هم به عنوان کتابی که یک شخصیت یک‌بعدی از خود به یادگار گذاشته است، تلقی نماییم. ما با انسانی سر و کار داریم که هدف والایی برای زندگی دارد؛ زمامداری که عادل مطلق است؛ دارای معرفتی در حد اعلی درباره انسان و جهان...»^{۲۸}

از این رو است که علامه جعفری (ره) با نگرش انسان‌شناسانه به تصویر انسانیت و رسالت انسانی پرداخته و نهج البلاغه و علی (ع) را از آن رو مهم یافته و به تفسیر آن اهتمام ورزیده که کامل‌ترین نماینده رسالت انسانی یافته است. او مهمترین رسالت اندیشمندان در عصر حاضر را دستیابی به نگره‌ای می‌داند که بتواند میان انسانیت و فن‌آوری ارتباطی عمیق پدید





آورد. «اشکارترین و حیاتی‌ترین رسالت‌های دوران ما کوشش برای پیدا کردن بهترین سیستم‌های تلقیق میان آرمانهای اعلای بشری و پیشرفتهای ماشینی کنونی است. پس این جمله که: «برای بشر رسالتی وجود دارد» جرس خوش صدایی است که با راه افتادن کاروان انسانی در این کره‌ی خاکی در گردن اولین مرکب طنین انداخته و تنها با توقف نهایی کاروان به خاموشی خواهد گرایید.»^{۲۶}

لنا علی (ع) در همه‌ی اعصار نماینده شایسته این رسالت انسانی و جهانی است: «شایستگی علی (ع) به مقام نمایندگی رسالت‌های کلی نه تنها از طرف صاحب‌نظران جهان تشیع بلکه از طرف همه‌ی فرق و مذاهب اسلامی و غیراسلامی بدون کوچک‌ترین ابهام ابراز شده است.»^{۲۷} علی (ع) نیز خود را واجد این شایستگی یافته و فرموده است: «ما ضللت و لا ضلَّ بی؛ نه همراه شده‌ام و نه کسی به واسطه‌ی من به گمراهی افتاده است.» پس قافله سالار کاروان رسالت انسانی، مولا علی (ع) است که شخصیتش در نهج‌البلاغه تجلی کرده است.

علامه جعفری (ره) درباره روش تحقیق در نهج‌البلاغه می‌نویسد: آنچه من دوست داشته و مایلیم در این شرح بی‌گیری کنم تشریح مبسوط و تطبیقی این اثر است. بر این باورم که هر جا مطلب به شرح و بحث نیاز داشته باشد، به قدر امکان و توانم بحث نمایم و شرح بنده شکل و محتوای تطبیقی با مسالک و معارف دیگر به ویژه نظرات غربی‌ها داشته باشد و به این توفیق نایل آیم و اثبات کنم که این خام‌اندیشی است که برخی خیال می‌کنند به موازات پیشرفتهای صنعتی، غرب در معارف نیز بر ما برتری دارد.^{۲۸}

اگر در مجلدات شرح نهج‌البلاغه گذری کنیم به نکاتی برمی‌خوریم که حاکی از ژرف‌نگری علامه جعفری است. به عنوان مثال ایشان وقتی عبارت «فان العالیة امامکم»^{۲۹} هدف نهایی حیات پیش روی شماست را توضیح می‌دهد با آوردن یک جمله ساده تمام مطلب را به خواننده می‌فهماند: «چه بخواهیم و چه نخواهیم، چه بدانیم و چه ندانیم، رو به هدف نهایی پیش می‌رویم.»^{۳۰} بعلاوه با افزودن دو بیت از مثنوی مولوی، ره پیدا و نمایانتر می‌شود:

نیک بنگر ما نشسته می‌رویم

می‌بینی قاصد جای نویم

پس مسافر آن بود ای ره‌پرست

که مسیر و روش در مستقبل است

از دیگر مزایای شرح و نقاط قوت آن می‌توان به این نکته اشاره کرد که مرحوم جعفری (ره) در جایی که زمینه‌ی گفتگو و بحث فلسفی - تحلیلی فراهم می‌شود دریغ نمی‌کند و مطلب را به طور مستوفی ارایه می‌کند

حیات معقول و نهج‌البلاغه

مرحوم علامه جعفری در تحقیقات خود بر اصطلاح «حیات معقول» تاکید فراوانی داشته است. مبنا و منشا این اصطلاح در روایتی است که ابن‌سینا از حضرت پیامبر (ص) درباره علی (ع) نقل کرده است: «یا علی چون مردم با کثرت عبادت خواستند به خدا تقرب جویند تو با عقل و ادراک عقلی‌ات به خدا نزدیک شو و رنج آن را بر خود هموار ساز.» ابن‌سینا ادامه می‌دهد که این خطاب جز در مورد بزرگی چون علی (ع) راست نیاید چه، او در میان مردم چنان بود که معقول در میان محسوس است. چون با دیدی عقل، مدرک اسرار گشت، همه‌ی حقایق را دریافت و «شهود» رخ داد. به همین دلیل گفت: لو کشف‌العطاء ما از ددت یقیناً.^{۳۱}

به هر حال مرحوم جعفری از این منظر به نهج‌البلاغه نگریست و آنچه از این کتاب شریف استنباط کرد حیات معقول و راههای دستیابی به آن بود که در سراسر شرح نهج‌البلاغه به آن پرداخته است.

مرحوم علامه جعفری در تعریف حیات معقول می‌گوید: «حیات آگاهانه‌ای که نیروها و فعالیت‌های جبری و جبرتمای زندگی طبیعی را با برخورداری از رشد آزادی شکوفان در اختیار، در مسیر هدف‌های تکامل نسبی تنظیم نموده، شخصیت انسان را که تدریجاً در این گذرگاه ساخته می‌شود، وارد هدف اعلای زندگی می‌نماید. این هدف اعلا شرکت در آهنگ کلی هستی وابسته به کمال برین است.»^{۳۲}

مرحوم جعفری راه رسیدن به این نوع حیات را برخوردار شدن از هدایت الهی و دین خدایی می‌داند و خاطر نشان می‌سازد که به طور قطع مذهب می‌تواند برای حیات بشر هدف تعیین کند و معادله‌ی زندگی آدمیان موقعی قابل حل خواهد بود که هستی آنان از عالم بالا تفسیر شود.^{۳۳}

چند نکته

اگرچه علامه جعفری (ره) تمام جهد خویش را به کار بست و در حد توان به شرح نهج‌البلاغه اهتمام ورزید و با کوله‌باری از معرفت به لقای پروردگار نایل آمد اما چند نکته به ذهن نگارنده رسیده است که بیان آنها در شرح‌شناسی نهج‌البلاغه می‌تواند مفید باشد.

۱) حاشیه‌پردازی غیر ضرور. باید اعتراف کرد که مطالب ذکر شده در این شرح قطعاً عالمانه و مفید است اما در مواردی خواننده‌ی دقیق مشاهده می‌کند که مطالبی طولانی مطرح شده که چندان ارتباطی با محتوای خطبه ندارد. این گسستگی به حد و قدری است که اگر مطالب مزبور بصورت رساله مستقلی چاپ شوند، هیچ خللی در اصل شرح نهج‌البلاغه به وجود نمی‌آورد. همچنانکه خود علامه هم به این کار اقدام کرده است.^{۳۴} علاوه بر ایجاد گسستگی، علمی بودن این مطالب حوصله خواننده را از او می‌ستاند به طوری که از دو حال خارج نمی‌ماند: یا از ادامه مطالعه صرف‌نظر می‌کند و یا اصل مطلب (تفسیر سخن مولا علی (ع) به کلی از ذهن او فراموش می‌شود.^{۳۵}

۲) طرح کلی مسائل و عدم نتیجه‌گیری قطعی نکته دیگری است که باید تذکر داده شود. حضرت علامه جعفری (ره) در مواردی مباحث را به گونه‌ای طرح می‌کند که خواننده توانایی مصداق‌یابی را از دست می‌دهد و نمی‌تواند مقصود را تشخیص دهد.^{۳۶}

۳) علامه جعفری (ره) در مواردی علیرغم اینکه به نقد و بررسی علمی نظریه‌ها پرداخته است اما علاوه بر آن، بحث را با احساسات نیز درآمیخته است.^{۳۷}

۴) از کاستی‌های دیگر شرح علامه جعفری ذکر نقل و قول‌های زیاد اما بدون مأخذ است. با وجود آن که علامه (ره) از اشعار مولانا به غایت استفاده کرده و اشعار عربی زیادی را نیز مورد استفاده قرار داده و اقوالی از دانشمندان و مکاتب آورده، اما در اغلب موارد ذکر از منبع نکرده است.

۵) اگرچه علامه در تبیین و توضیح و تفسیر برخی از عبارات خطبه‌ها توفیق بالایی کسب کرده است اما اضافه کردن برخی جملات کلی و مطالب حاشیه‌ای از قدر و مرتبت علمی مطالب ذکر شده کاسته است. به عنوان مثال در ذیل شرح خطبه ۲۱، چهارده جمله کلی را آورده که تبیین و نقد عالمانه‌ای توسط آنها ارائه نشده بلکه یک سلسله گزاره‌ها و سخنان دستوری کلی‌اند که مراد از آنها بیان نشده است و قائلان به آنها به عنوان افرادی پوچ‌گرا معرفی شده‌اند.^{۳۸}

۶) یکی از اساسی‌ترین کاستی‌های شرح حاضر آن است که تحلیل‌های فلسفی - عقلی و اجتماعی جای تحلیل‌ها و گزارش‌های تاریخی را گرفته است. شارح به جای آن که به اقتضای متن خطبه، شرح واقعه را با استفاده از منابع معتبر نقل و نقد کند به تحلیل متن‌شناسانه (هرمنوتیک) پرداخته و به واقعه تاریخی و اثبات تاریخی فرمایش مولا علی (ع) اهتمام نورزیده است.^{۳۹}

۷) عدم توضیح دقیق و عالمانه اصطلاحات به ویژه مکاتب بشری. در جاهای مختلف شرح نهج البلاغه اصطلاحاتی مانند اگوئیسم (Egoism) هدونیسیم (Hedonism)، یوتیلیتاریانیسم (Utilitarianism) و... به کار رفته اما در اغلب موارد تلقی منفی از این اصطلاحات به عمل آمده است در حالی که اگر منصفانه و عالمانه آنها را بررسی کنیم نکته‌ها و نقطه‌نظرات مثبت هم در آنها وجود دارد ولی شارح محترم رحمة‌الله علیه بگونه‌ای درباره آنها سخن گفته که قطعاً خواننده تلقی منفی از آنها به دست می‌آورد. به عنوان نمونه حضرت علامه جعفری (ره) از نفع یا سودگرایی به عنوان حمایت کردن از بی‌بند و باری و رها کردن انسان به حال خود و رهایی از دین و مذهب نام برده است^{۳۳} در حالی که در سودگرایی هدف ترجیح سود بر ضرر و تعمیم و فراگیر کردن و توزیع عادلانه‌ی آن در میان انسانها است که لزوماً نمی‌تواند در بردارنده محتوای ضدانسانی و دنیاخواهانه (به معنای ناپسند آن) باشد.^{۳۴}

چند پیشنهاد

نگارنده پیشنهادهایی برای دستگاههای فرهنگی و بزرگان فرهنگ‌دوست و طالب گسترش معرفت دینی دارد که فرصت را برای طرح آنها مغتنم می‌شمرد با این امید که آستین همت بالا زنند و شرح حاضر را به شکلی مناسب و قابل استفاده برای همگان درآورده و منتشر سازند چرا که کاستیهایی مانند نبود فهرست قطعاً مشکلاتی برای خوانندگان پدید آورده و چه بسا افرادی شیفته علامه و شرح عالمانه‌اش باشند اما به لحاظ در دسترس نبودن برخی امکانات و مقدمات در محرومیت باقی مانده‌اند. ۱) تهیه فهرست موضوعی که بخش عمده‌ای از مشکلات را حل کرده و شرح حاضر را به نحو مطلوبتری در دسترس قرار خواهد داد. ۲) مستند کردن برخی از مطالب و نقل قولها که اسناد آنها ذکر نشده است

۳) ویراستاری دقیق و ادبی اثر

۴) تهیه اثری تطبیقی از مطالب نهج البلاغه، اشعار مولانا و نظرات علامه

۵) اقدام به چاپ انتقادی اثر حاضر و افزودن مطالبی در تکمیل آن در زیرنویس به ویژه نقل وقایع تاریخی که در این شرح کمتر به آنها پرداخته شده است

۶) مرحوم علامه زحمت طاقت‌فرسایی را برای استفاده بیشتر طالبان متنوی متقبل شد و بدین منظور اثر عظیم از دریا به دریا را فراهم آورد. اکنون نوبت دیگران است که برای شرح سترگ وی، معجم موضوعی، اعلام، اماکن، نظریه پردازان، مکاتب، فرق، ادیان و... را تهیه کنند تا علاقه‌مندان به راحتی بتوانند از این اثر بهره گیرند.

پی‌نوشت‌ها:

۱ نهج البلاغه، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ص ۹۶.

۲ از نگارنده

۳ و ۴ - آفاق مرزبانی، عبدالله نصری، ص ۲۴.

۵ جوادی، محمدرضا، فیلسوف شرق، ص ۱۲.

۶ و ۷ - آفاق مرزبانی، عبدالله نصری، صص ۲۵ و ۲۶.

۸ - فیلسوف شرق، صص ۱۷-۱۸.

۹ - کیهان فرهنگی، سال ۶۴، ص ۴.

۱۰ - آفاق مرزبانی، عبدالله نصری، ص ۲۶.

۱۱ و ۱۲ - کیهان فرهنگی، سال ۶۴، ص ۴.

۱۳ - فیلسوف شرق، ص ۳۰.

۱۴ - کیهان فرهنگی، سال ۶۴، ص ۴.
 ۱۵ - کیهان فرهنگی، سال ۶۴، ص ۵.
 ۱۶ - کیهان فرهنگی، سال ۶۴، ص ۷. در دیماه سال ۱۳۶۵، استاد منزلی را واقع در بلوار آیت‌الله کاشانی می‌خرد و تا آخر عمر، همانجا زندگی می‌کند.

۱۷ - کیهان فرهنگی، همان شماره.

۱۸ - فیلسوف شرق، صص ۱۰۸-۱۰۹.

۱۹ - در کتاب غواص اقیانوس اندیشه ۱۰۶ اثر نام برده شده است (همان، صص ۳۶۷-۳۷۰).

۲۰ - ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱ (مقدمه)، ص ۳ (تذکر)

۲۱ - مقدمه تفسیر نهج البلاغه (رسالت انسانی و شخصیت علی (ع)، ص ۴.

۲۲ - جهت اطلاع بیشتر نک: سیدمحمد دامادی، مجله میراث جاویدان، ش ۲-۱ بهار و تابستان ۱۳۷۸، ص ۱۳۲.

۲۳ - شرح نهج البلاغه، ج ۵، ص ۲۷.

۲۴ - گلی زواره، غلامرضا، غواص اقیانوس اندیشه، ص ۱۵۵.

۲۵ - انسان در مسیر تصعید حیات تکاملی، ص ۴.

۲۶ - آفاق مرزبانی، ص ۵۶.

۲۷ - شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۳ مقدمه

۲۸ - همان، ص ۳.

۲۹ - تفسیر نهج البلاغه، ج ۱ مقدمه، ص ۸.

۳۰ - همان، ص ۱۷۱.

۳۱ - مجله حوزه، شماره ۱۹، ص ۱۳ (با اندکی تصرف در متن).

۳۲ - نهج البلاغه صبحی‌الصالح، خ ۲۱.

۳۳ - شرح نهج البلاغه، ج ۵، ص ۴.

۳۴ - نهج البلاغه

۳۵ - ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۸، ص ۱۸۸.

۳۶ - تکاپوی اندیشه‌ها، ج ۲، ص ۶۵.

۳۷ - همانگونه که در شناخت انسان (انسان‌شناسی) این اقدام صورت گرفته و در بیش از ۵۰۰ صفحه به چاپ رسیده است.

۳۸ - جهت آگاهی نک: شرح خ ۱ و شرح خ ۲۶ که بخش عمده‌ای از مطالب خارج از موضوع است. (ج ۵، ص ۱۵۳ به بعد)

۳۹ - مفاهیمی از قبیل عدالت، آزادی، عرفان، سعادت، حیات معقول و... در این شرح ذکر شده اما تعریف دقیق و علمی ارایه نشده است (نک، خ ۵، ص ۲۷۰).

۴۰ - نک شرح نهج البلاغه، ج ۵، ص ۱۸۴ (باورقی).

۴۱ - شرح نهج البلاغه، ج ۵، صص ۷-۶.

۴۲ - همان شرح خطبه ۲۲.

۴۳ - شرح نهج البلاغه، ج ۲۱، ص ۴۵.

۴۴ - جهت اطلاع نک: فلسفه اخلاق و پیام کی‌فرانکنا.